

زنگ خطر برای پسر آبی دل دشتستانی، محمد دانشگر

نادر اقدام

صفحه ۴

نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم - شماره ۹۵۵ سه شنبه هفتم اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان



شاید فکر می کنند فرهیختگان بازنشسته بوشهر جایگاهی ندارند؟

عالی بازدار

صفحه ۲

وضعیت بحرانی کرونا

۱۰۰۰ قربانی کرونا در استان بوشهر





از میزبانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی تا کمبود امکانات درمانی در بوشهر

احمد خواجه حسنی

صفحه۳

سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

واکسن کرونا کجاست؟



در این روزها که شاهد اوج گرفتن کرونا در سطح کشور هستیم، سوال اصلی این است که واکسن کرونا کجاست؟ از شروع کرونا تاکنون مردم بین وعده های مسئولان در ساخت واکسن کرونا و یا وارد کردن واکسن مانده اند، درحالی که هرروز دارد بر تلفات ناشی از کرونا اضافه می شود و خانواده های بیشتری داغدار میشوند. هر مسئولی گناه را می اندازد گردن دیگری و تقصیر را از خودش دور می کند، در حالی که این دعواهای زرگری برای مردم نفعی ندارد و نمی تواند جلوی فاجعه بیماری و مرگ کرونا را بگیرد. مردم در این شرایط تنها به واکسن کرونا نیاز دارند و مهم نیست که چگونه این واکسن در سطح انبوه به جامعه می رسد و بقیه امور دیگر حاشیه هستند. مردم در این مدت خود را از این روز به روز دیگر رسانده اند تا بلکه واکسن کرونا برسد و این نگرانی طولانی را از آنها بزداید. کادر درمان، خسته و در معرض خطر هم چنان ایثارگران پای کار هستند گرچه آنها نیز از نبود امکانات و حقوق و مزایای کافی در این میدان، گلایه دارند. کسبه و فعالان اقتصادی بخش خصوصی از این همه تعطیلی و قرنطینه در حالی که حساب و کتاب و اقساط آنها دقیق و به ریز، گرفته می شود، شاکی هستند.

بیم آن است که در درگیری های سیاسی و جناحی درون کشور و توجه مسئولان به امور منطقه ای و پیگیری اهداف بلند پروازانه آنها، واکسن مردم ایران از اهمیت کافی در نزد مسئولان برخوردار نبوده و کنترل کرونا و تهیه واکسن علیرغم همه تلفات و خساراتی که تاکنون برای مردم داشته، نه بطور ویژه، که در کنار دیگر مسائل روزمره مورد پیگیری آنها قرار گیرد.

در هر صورت هنوز خبری از واکسن انبوه نیست و باز حواله به آینده داده می شود در حالی که عمرمان را داریم روز به روز می شماریم.

به پاسداشت روز خلیج تا ابد پارس

حسین شادکامی



سرزمین سر سبز ایران که در پهنای انتهای دامنه رشته کوه های زاگرس به دشت وسیعی کشیده می شد. که امتداش به صحرای عربستان منتهی می شد. وآب های روان دجله و فرات از مسیر فعلی خلیج فارس به مکران می ریخت. با تکامل اکولوژیکی محیطی و آبستن زمین در دوران سوم ورودی دهانه دریای مکران (تنگه هرمز) به روی این دشت باز شد و تا ارتفاع ۱۲۰ متری این دامنه به زیر آب فروبرد. سپس فروکش کرد و قسمت وسیعی از این خشکی که متعلق به این سر زمین بود. به زیر آب ماند تا نامش را از اقوام پارت بر آن نهادند. (خلیج پارس) تحولات در تغییرات موقعیت به وجود آمده توانست اولین تمدنی از مردمانی که با انس گرفتن به ساحل دریا، با شیار دادن آب ها توسط کشتی های ساخت دست خود، از طریق دریا و دریانوردی به سایر نقاط دنیا ارتباط داد و ستد و تجارت کسب کنند و از دیر باز به غرب آسیا، آفریقا، شبه قاره هند و اروپا در روزمه خود به ثبت رسانند از آن جایی که مزیت زیست محیط دریایی منحصر به فرد و کمیابی در جهان به وجود آورد. که باعث گردید تا خلیج فارس یکی از نادرترین زیست بوم جهانی قلمداد گردد که پیش از هزاران گونه جانوری ریز و درشت و زیباترین پهنه هاو بستر های دیدنی بزرگترین اکواریوم طبیعی زیستی را به معرض نمایش در آورد که درساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصاد ساحل نشینان تاثیر به سزایی تا امروز بجا گذاشته است و توانسته یکی از شاهراه های حیاتی ارتباط تمدن ها واقع شود.

لذا این پهنه آبی که نگاه جهانی را به خود معطوف داشته، از اهمیت خاصی برخورداراست. که با این حجم انبوه از بهره وری و توسعه سواحل به دریا (خدمات رسانی، تولید منابع، استخراج، اکتشافات، بهره برداری، اشتغال و خطوط مراسلاتی حمل نقل،...) تحمل این همه فشار بدون رعایت های پروتکل ها ی تعیین شده را ندارد و موجب سیب هایی بر پیکره زیستی محیط اش بر اثر فعالیت های غیر فنی واصولی تبدیل به کویربیولوژیکی دریاها خواهد گشت.این زنگ خطر بسیار سنگینی است که خلیج را روز به روز نحیف تر و بی رمق می سازد. باشد که پاداش این قدمت دیرینه خلیج به مردمانش در حفظ و نگهداری



تمامی این حوزه آبی با ایجاد کنوانسیون های منطقه ای و فرا منطقه ای اعمال نظر و مراقبت نمود. تا در ادوار تاریخ بتوان با صیانت و حفظ محیط زیستش و طنین نامش ماندگار برای آیندگان زنده نگاه داشت که به مراتب تاثیرات زیستن در محیط زیست ساحل نشینان این مرز و بوم در بر خواهد داشت و به پاس تبلور نامش خلیج پارس را همیشه ارج نماییم.

۸۸۰۰ نفر در استان بوشهر واکسینه شده‌اند

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر اظهار کرد: از ۲۲ بهمن ماه سال گذشته که اولین مرحله از واکسیناسیون آغاز شد تا ۲۸ فروردین سال ۱۴۰۰ به میزان ۶۳۳۹ نفر برای دو نوبت (۱۲۶۷۸ دوز) به ما واکسن تحویل داده شد که این واکسن ها شامل اسپوتنیک روسی، کوواکسین بهارات هندی و سینوفارم چین است.

خواجه ئیان افزود: این واکسن ها برای افراد فاز اول بود که عمدتاً گروه بهداشت و درمان، یک سری از جانبازان و خانواده شهدا، بخشی از پاکبانان و سالمندان ساکن در سرای سالمندان بودند.

وی خاطرنشان کرد: هفته گذشته یک محموله جدید از واکسن آسترازنکا به دست ما رسیده که این محموله شامل ۶۷۰۰ واکسن است و امیدواریم با این تعداد بتوانیم فاز اول واکسیناسیون را تمام کنیم. البته واکسن در چند مرحله به دست ما می رسد که هر بار طی دو تا سه روز تزریق می‌شود. تا الان مجموعاً در ۷ مرحله واکسن تحویل استان بوشهر شده است.

این مسئول خاطرنشان کرد: تا الان بیش از ۸۸۰۰ نفر در استان بوشهر واکسینه شده‌اند و ان شالله پس از اتمام فاز اول، در مراحل بعدی طبق اعلام وزارت بهداشت وارد فاز دوم واکسیناسیون خواهیم شد.

کاشت هفت هزار نهال حرا برای احیای طبیعت



به همت دوستداران طبیعت هفت هزار نهال حرا در خورهای استان بوشهر و در سواحل خلیج فارس کاشته شد. به گزارش روابط عمومی پژوهشکده ی علوم زیست پزشکی خلیج فارس، هفت هزار نهال حرا به همت دوستداران محیط زیست، پرسنل و پژوهشگران مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج‌فارس، بنیاد رشد و اندیشه سازندگی استان بوشهر، سازمان حفاظت از محیط زیست و دیگر دوستداران محیط زیست در پنج خور استان بوشهر، کاشته شد. این نهال‌ها، برای احیای محیط زیست در خورهای فراکه، شکسته، جزیره ی شیف، چاه‌تلخ و جائینک کاشته شد. گفتنی است مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس وابسته به پژوهشکده ی علوم زیست پزشکی خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با راه‌اندازی نهالستان حرا، بیش از ۱۰ سال است که در راستای مسئولیت اجتماعی، اقدام به تولید، پرورش و سپس کاشت نهال حرا می‌نماید. لازم به ذکر است که بخش عمده‌ای از نهال‌هایی که امسال توسط علاقمندان و دوستداران محیط زیست در خورهای استان بوشهر کاشته شده است در نهالستان این مرکز تحقیقاتی تولید شده و بخشی نیز توسط سازمان محیط زیست استان بوشهر تأمین گردیده بود.

استاندار بوشهر: راهکارهای لازم برای جلوگیری از انتقال ویروس کرونایی هندی اندیشیده شود



ایسنا/بوشهر؛ استاندار بوشهر گفت: برای جلوگیری از انتقال ویروس کرونا هندی، تخلیه محموله لنج‌های تجاری در بنادر استان بوشهر منوط به تست کرونای خدمه شناورها است.

عبدالکریم گراوند اظهار کرد: با توجه به شناسایی ویروس جهش یافته دیگر کرونا تحت عنوان هندی باید تمام راهکارهای لازم برای جلوگیری و پیشگیری از ورود این ویروس به استان ارائه شود.

رئیس ستاد مقابله با کرونا استان بوشهر با تأکید بر ارتقاء آمادگی نظام سلامت برای مقابله با بیماری جهش یافته کرونا هندی تصریح کرد: در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیروهای هندی بسیاری فعالیت می‌کنند و رفت و آمد به کشور هند دارند از این نظر باید خدمه شناورهای تجاری استان بوشهر مراقبت ویژه کنند تا به این ویروس مبتلا نشوند.

استاندار بوشهر با بیان این که ابتلا به بیماری کرونا هندی نیاز به قرنطینه کامل دارد، افزود: باید تمام راهکارهای لازم برای جلوگیری از انتقال این ویروس جدید کرونایی اندیشیده شود.

گراوند با استناد به نظر کارشناسان بهداشتی و درمانی، ویروس کرونا هندی را خطرناک‌تر از دیگر ویروس‌ها دانست و تصریح کرد: مرز دریایی در استان بوشهر تنها راه ورود ویروس کرونا هندی است که برای جلوگیری از انتقال این ویروس، تخلیه محموله لنج‌های تجاری در بنادر استان بوشهر منوط به تست کرونای خدمه شناورها است.

بوشهر و برازجان شهرهای خلاق موسیقی و ادبیات کشور شدند

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: شهر بوشهر در حوزه موسیقی و برازجان مرکز شهرستان دشتستان در حوزه ادبیات با قرار گرفتن در بین ۵۷ شهر نهایی به عنوان برگزیدگان نخستین دوره شبکه شهر خلاق فرهنگ و هنر کشور انتخاب شدند.

به گزارش ایرنا، فاطمه کرمپور در این ارتباط افزود: شبکه شهرهای خلاق فرهنگ و هنر در هفت حوزه ادبیات، موسیقی، صنایع‌دستی و سنتی، مد و لباس، سینما، هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی تشکیل شد که در ۲ حوزه چاپ و بسته‌بندی و رسانه و مطبوعات به دلیل به حد نصاب نرسیدن شمار شهرها در مرحله پایانی به عنوان شهرهای شایسته پیوستن به شبکه شهرهای خلاق فرهنگ و هنر معرفی شدند. وی بیان کرد: در مجموع ۳۶۷ شهر برنامه‌های خود را به دبیرخانه این شبکه ارسال کردند، ابتدا ۱۴۴ شهر به مرحله نیمه‌نهایی راه یافتند و در پایان پس از ارزیابی هیات‌ها در هفت موضوع ۵۷ شهر به عضویت شبکه‌های مختلف شهرهای خلاق فرهنگ و هنر انتخاب شدند. با انتخاب بوشهر در حوزه موسیقی و برازجان در ادبیات برای ۲ سال ویژه برنامه‌هایی برای تقویت این شهرها در حوزه‌های یاد شده فراهم می‌شود. کرمپور عنوان کرد: با تبریک این انتخاب به اهالی فرهنگ، هنر و رسانه ادامه داد: در این ارتباط از تلاش و همکاری تمامی کسانی که در این مسیر با ارائه طرح‌ها و ایده‌های ارزنده با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر همراهی داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.

هنرمند دشتستانی استان بوشهر کاندیدای جایزه اسکار



هنرمند دشتستانی استان بوشهر کاندیدای اسکار شد. آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، اسامی نامزدهای نود و سومین مراسم اهدای جوایز اسکار را اعلام کرد. با وجود ناکامی نماینده ایران برای بخش فیلم‌های خارجی، یک ایرانی در بین نامزدهای یکی از بخش‌های اسکار قرار گرفت. رامین بحرانی، ۴۵ ساله، هنرمند ایرانی آمریکایی برای فیلم «ببر سفید» در بخش فیلمنامه اقتباسی، در بین نامزدهای نهایی اسکار قرار گرفت.

به نوشته رضا اکبری، رامین بحرانی کارگردان و فیلمنامه نویس ایرانی - آمریکایی، در سال ۱۹۷۵ میلادی/۱۳۵۴ خورشیدی در خانواده ای ایرانی در شهر وینستون سیلم ایالت کارولینای شمالی به دنیا آمد. پدرش خسرو بحرانی اصالتا اهل دالکی دشتستان استان بوشهر است که حدود هفت سال پیش از تولد او برای تحصیل در رشته پزشکی به آمریکا مهاجرت کرد. همچنین وی برادر زاده ی محمد بحرانی متخلص به خاور دشتستانی حقوقدان، شاعر و نویسنده ی دشتستانی و نیز زنده یاد همایون بحرانی روزنامه نگار می باشد. رامین بحرانی تحصیلات عالی خود را در رشته تئوری سینما به پایان رسانید. پایان نامه دانشجویی او فیلمی به نام «بیگانگان» بود که در سال ۲۰۰۰ میلادی / ۱۳۷۸ خورشیدی با بازی خود وی و امراله صولتی دالکی درجنوب ایران ساخته شد. داستان فیلم درباره ی جوانی ایرانی الاصل مقیم آمریکاست که در جستجوی هویت و ریشه هایش به سرزمین پدری سفر می کند که در واقع داستان زندگی خود کارگردان است.

در چهار سال اخیر

۱۵۳ اختراع به نام بوشهری‌ها ثبت شد

مدیر دفتر مالکیت فکری پارک علم و فناوری خلیج فارس بوشهر گفت: در چهار سال اخیر ۱۵۳ اختراع در این استان به ثبت نهایی رسیده‌است و این میزان با رشد مداوم، ۱۵ مورد در سال ۹۵ به ۴۸ فقره در سال ۹۹ رسیده است.

عبدالرسول منصوری فرد در گفت وگو با ایرنا عنوان کرد: حوزه برق، الکترونیک و میکانیک با ۴۰ درصد بیشترین میزان ثبت اختراع در استان بوشهر را به اختصاص داده‌اند و پس از آن به ترتیب کشاورزی با ۲۵ درصد پزشکی و علوم پایه با ۲۰ درصد و نفت و گاز با پنج درصد قرار دارند.

مدیر موسسه مردم نهاد دارالاکرام بوشهر:

۱۵ روانشناس سمن دارالاکرام به زلزله زدگان گناوه خدمت رسانی می کنند

مدیر شعبه موسسه مردم نهاد دارالاکرام در استان بوشهر گفت: این موسسه با ۱۵ دکترای روانشناسی آماده است به آسیب دیدگان از زلزله۲۹ فروردین ماه گناوه به صورت رایگان و تلفنی خدمات روانشناسی و مشاوره‌ای ارائه دهد.

غلامحسین کروبی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: در زمان حاضر ۴۰ روانشناس و مددکار اجتماعی داوطلب با این موسسه مردم نهاد همکاری دارند و به دانش‌آموزان فاقد سرپرست موثر خدمات بالینی، تربیتی، مشاوره‌ای و هدایت تحصیلی خدمات ارائه می‌دهند.

وی با بیان اینکه این موسسه مردم نهاد در سراسر کشور ۶ هزار دانش‌آموز و خانواده آنها را مورد حمایت قرار داده است، گفت: در سطح استان بوشهر ۲۰۰ دانش‌آموز در زمینه‌های بورسیه تحصیلی، خدمات روانشناسی، بهداشتی و درمانی و معیشتی مورد حمایت این موسسه قرار دارند و علاوه بر این برای به آموزش مهارت‌های فنی به سرپرست دانش‌آموز و خود او پس از اتمام دوره تحصیلی کمک می‌شود.

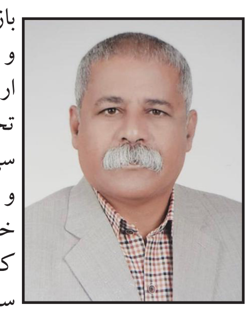
کروبی اضافه کرد: در این راستا دانش‌آموزان بر پایه شرایط و پایه تحصیلی به صورت ماهیانه از سوی حامیان کمک‌های مالی دریافت می کنند.

مدیر این موسسه خیریه در استان بوشهر گفت: در پی وقوع زلزله در گناوه و آسیب مالی به خانواده‌های روستایی این شهرستان، با اعزام تیمی از سوی این موسسه اقدام به شناسایی دانش آموزان فاقد سرپرست موثر در روستاهای این منطقه شد و در مرحله اول پنج خانواده با ۱۰ دانش‌آموز که سرپرستی بر عهده مادر است در روستای زلزله زده شول گناوه مورد حمایت و بورسیه تحصیلی قرار گرفتند.

کروبی عنوان کرد: موسسه دارالاکرام بخاطر وضعیت قرمز کرونایی آماده دریافت مدارک و اطلاعات دانش آموزان واجد شرایط از طریق واتساپ به شماره ۰۹۱۷۲۳۹۱۴۰۰ است.

خانه امید، مأمن بازنشستگان

محمد محبوبی – دبیر بازنشسته آموزش و پرورش – روزنامه نگار



بازنشستگان که از ذخائر و گنجینه های طلائی و ارزشمند سراپا دانش و تجربی کشورند، به جهت سی سال خدمت صادقانه و با ابزاری چون هزینه عمر خویش در راستای اعتلای کشور عزیزمان ایران، سرمایه گذاریهای حیاتی کرده اند، امروز در انتهای زندگی خود نیازی سخت، مُطَوَل و مُبرم به جایگاه امنی به نام «خانه امید» به منظور گذران اوقات تفریحی و رفاهی و یحتمل اقتصادی خود را دارند تا از درد استخوان و سختی های حرکتی و فرار از استرس و دپرس شدن و اموری مشابه را تخفیف گرفته امید به زندگی را درون خود، ضریبی بالا اختصاص دهند. ضرورتاً، «خانه امید» بعد از احداث، اگر با اعمال مدیریتی قوی و همه جانبه، و برنامه ریزی های حرفه ای کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت و با تخصیص اعتباری در خور توّجه و شأن و منزلت بازنشستگان بطور نظام مند اداره و نگهداری شود، می تواند در نشاط و شوق و شعف قاعدین، مؤثر بوده بخشی از حوزه فعالیت و وظائف خانه های سالمندان را پوشش دهد. ضمن تاکید مؤکد بر وجود و اهمیتش که از اوجب واجبات است، به هر روی، به منظور اجرای چنین پروژه ای حداقل به تعداد هزار تا هزار و پانصد متر زمین در شهر بوشهر که از فقر محدودیت های فضای فیزیکی در اسارت و رنج است، مورد نیاز می باشد. البته، زمینی که فارغ از معارض های حقیقی و حقوقی متناسب با رعایت قوانین عرصه های عمومی و خصوصی و حریم های موجود درون شهری به ویژه حریم ۶۰ متری دریا در ناحیه غربی شهر که بیشتر مَطمح نظر است، تا موجبات تهدید حوزه قانونی آن را رقم نَزنند. در این خصوص، نگارنده حقیر، چند قواره از زمین های تقریباً عمومی که امکان عبور قانونی از آن ها از طریق رایزنی های لازم با مسئولین ذیربط وجود دارد را بصورتی پیشنهادی معرفی می نمایم. با همه تفاصیل و با عدلیه ای محکم و استوار این که: آن ها نیز مالک و متولی دارند و رعایت همه محدودیت های بیان شده مؤخر را طلب می کند. لیکن، گزینش آن ها جهت واگذاری ۹۹ ساله یا واگذاری به شرط تملیک یا خرید کامل امکان پذیر است، به شرح اجمالی زیر عبارتند از:

اولاً: از استاندارد، استدعا دارم، با ورود به این امر مهم و ماندگار یعنی موضوع «خانه امید» در بوشهر یک پلاک از قطعه زمین در تملک استانداری واقع در خیابان چهار باندی روبروی ستاد نیروی انتظامی استان را با درخواست مدیر بازنشستگی استان، با هر صلاحدید ممکن با شرایط توافقی طرفین در اختیار صندوق بازنشستگی کشوری قرارداده، امید به تأسیس «خانه امید» در بوشهر را زنده نگهدارند. وانگهی، در این وادی، روی سخنم با کلیه مسئولین، مدیران استانی و شهری است که با حمایت همه جانبه خود این موضوع مهم را در شهر بوشهر محقق سازند، زیرا در اسرع وقت و در بازه ای از زمانی آتی به جرگه بازنشستگان خواهند پیوست. پس، خانه امید خودشان را در عین ضریب بالای امید به زندگی برای خویشتن، امروز بسازند تا فردای آینده پیش رو شادمان گردند. جایِ «خانه امید» بوشهر را خالی نگذارید.

ثانیاً: از مدیر بازنشستگی استان، به عنوان نماینده حقوقی بازنشستگان عاجزانه تقاضامندم تا نشستی هر چند با وضعیت موجود محدودیتهای بهداشتی با عنوان «همایش خانه امید» با حضور رؤسای سازمانها و نهادهایی که متولی زمین های درون شهر بوشهر به ویژه سمت غربی شهر، از جمله سازمان اوقاف و در رأس آن ها استاندار، شهردار بوشهر و اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر، با صلاحدید، از نوع حضوری، ویدئو کنفرانس مجازی یا نامه نگاری و هر طریق ممکن، با بررسی زمین های مورد نظر ترتیب داده تصمیم سازی و اتخاذ تصمیمات لازم و عاجلانه را اعمال فرمایند، تا ساخت «خانه امید» با اعتبارات تخصیصی صندوق بازنشستگی کشوری عملیاتی گردد.



ثالثاً: با توّجه و عنایت به این موضوع که وظائف شهرداری در امور اجرای این نوع از پروژه ها در حوزه استحفاظی بعد از گذر از اهمیت عرصه های عمومی و خصوصی و حریم ها، ضابطه اجرائی دارد، انتظار بازنشستگان از اعضای شورای اسلامی شهر بوشهر به جدّ این است که با جدّیت و اولویت بندی، همکاریهای لازم با اداره بازنشستگی و سایر مدیران را در دستور کار خدمات صالحات و باقیات موافقت های اصولی خویش را با رعایت قوانین حاکم بوشهر در خصوص زمین های پیشنهادی اعمال نموده به مراجع ذیصلاح براساس حسن نیت و وظائف اجتماعی مردمی خویش اعلام نمایند. انشاء الله که، انجام این گونه امور را عام نگر و نه فردی و گروه گرایی دیده مانع تراشی غیراصولی را چاشنی کار ننمایند. گرچه رجاء واثق دارم که اعضای محترم و مردمی شورای شهر، خود نیز دغدغه مند تأسیس «خانه امید» بوده و هستند.

در هر صورت ممکن، برای انجام امور مورد توّجه باید با دخالت دادن مسئولین، بر مشکلات فوق الاشعار فائق آییم. از جمله مشکلات و سهل انگاری های مدیران اسبق که بدون توّجه به حقوق عمومی شهروندی و عدم در نظرگرفتن سند طراحی شهری نوار ساحلی بدون نگاه به طرح های جامع و موضعی، ساخت و سازهای غیرقانونی در سواحل غربی بوشهر انجام داده اند و عرصه های عمومی و خصوصی و حریم ۶۰ متری دریا را به تخریب کشیده اند و به حقوق عمومی مردم تجاوز کرده اند، ساختمان نفتکش و احداث آن در ساحل غربی که بخشی از چشم انداز دریا را کور کرده پوششی عدول از عرصه ها و حریم ها را رقم زده است. فلذا بر مسئولین شهری و استانی واجب عینی است تا در این خصوص فکری اساسی و فنی مهندسی را اعمال نموده تخریب مجموعه مذکور را در دستور کار خود قرار دهند. در این راستا، انتظار عموم مردم بوشهر از شرکت نفت با سرمایه نجومی خود به جاست تا به کمک مردم آمده در ایجاد امکانات تفریحی و رفاهی به نفع مردم برآید. از طرفی عدم رعایت اصولیِ قوانین حریم ها، و دریغ داشتن فضای فیزیکی بر مردمِ از جانب شرکت نفت به دور از انصاف و عدالت است.

موارد دیگری که بدون مطالعات امکان سنجی و نیاز سنجی و بدون بررسی زوایای قانونی اقدام به ساخت و ساز شده است و به جهت ایجاد آلودگی های تصویری به دل مردم نمی نشیند، ایجاد چرخ و فلک در محدوده پارک تاریخی شغاب و خانه شطرنج در بطن این پارک باستانی است، که امور تاریخی و هویتی ایرانی – بوشهری را از زیبنده بودن بدور ساخته است و باید قابل تأمل و بررسی قانونی قرار گیرند و طبق قوانین رفع موانع گردند. مثلاً؛ مزید اطلاع، خانه شطرنج در سند طراحی شهری نوار ساحلی وجود خارجی ندارد، از این گذشته، حتی فاقد کمیسیون ماده پنج نیز می باشد زیرا و شاید این پروژه براساس توصیه ها و جلب رضایت اشخاص ساخته شده باشد.

به بیانی دیگر پروژه صدرالذکر، شرایط طرح جامع و موضعی را احراز نکرده خارج از این چارچوب بنا شده است.

توضیح تکمیلی این که: طرح های جامع مثل قانون و طرح های موضعی را همانند بخشنامه ها و دستورالعمل ها باید دانست. در مورد چرخ و فلک شاید بتوان چنین استنباط کرد که مدیران مرتبط با طرح، توجیهی بدین منوال داشته اند که مردم از افقی بالاتر، با دیدی مشرف بر آثار باستانی، تاریخ خود را دیداری عمیق تر داشته باشند که امروز و در حال حاضر این گونه دیدگاهی، در این مکان، محلی از اعراب را با خود حامل و حاصل ندارد.

نتیجه این که: درخواست ساز و سازها در چهار جهت شهر بوشهر، باید، پس از گذر از مطالعات و کارشناسی های کامل و قانونی اعمال گردند و نه بی رویه و به دور از آینده نگری های پیش بینی نشده که در نهایت شرایط تخریب را به خود اختصاص دهند.

وضعیت بحرانی است
۱۰۰۰ قربانی کرونا در استان بوشهر

وضعیت کرونا در کشور و استان بوشهر در حالت بحرانی است و رقم مبتلایان و قربانیان کرونا در حال افزایش هست. تا پایان روز دوشنبه در حالیکه ۴۸۲ نفر بخاطر ابتلا به کرونا در بیمارستانهای استان بوشهر بستری بودند آمار قربانیان کرونا در بوشهر از هزار نفر گذشت. این در حالی است که بطور متوسط روزانه بالای صد نفر بستری جدید در بیمارستان های استان وجود دارد.

سخنگوی ستاد ملی کرونا با اعلام اینکه ۲۵ استان در وضعیت بسیار بد کرونا قرار دارند، نسبت به ویروس هندی کرونا هشدار داد.

به گزارش ایسنا، دکتر علیرضا رئیسی گفت: وضعیت روند بیماری در کشور همچنان مناسب نیست و روند صعودی است و ۲۵ استان اصلا در وضعیت خوبی نیستند.

به گفته سخنگوی ستاد کرونا، در تعدادی از استان‌ها نسبتا به نظر می‌رسد در حال نزدیک شدن به قله هستیم. استان‌هایی مثل مازندران، خوزستان، قزوین، فارس، تاحدودی اردبیل، یزد و کردستان روند نسبتا ملایم‌تری طی می‌کنند. در عین حال تعدادی از استان‌ها روند نزولی را آغاز کردند.

وی افزود: وضعیت رعایت پروتکل‌ها در سطح کشور آنچنان که انتظار داریم افزایش نیافته است. میزان رعایت پروتکل‌ها به ۶۱ درصد در کشور رسیده که عدد مطلوبی نیست.

رئیسی ادامه داد: به ترتیب سوپرمارکت، خواربار فروشی، نانوایی، رستوران، بانک و فروشگاه زنجیره‌ای بدترین رعایت پروتکل‌ها را دارند که از گروه مشاغل یک هستند و باید بیشترین رعایت را داشته باشند.

رئیسی ادامه داد: از ۱۴ فروردین تا انتهای فروردین نسبت به مدت مشابه در سال قبل ۵۶ درصد رشد تردد در جاده‌ها داشتیم و این در حالی است که اکنون ۳۰۱ شهر قرمز، ۹۵شهر نارنجی، ۴۵ شهر زرد و ۷ شهر آبی داریم. این افزایش ترددها نوعی پروتکل شکنی است.

به گفته وی، میانگین تمکین مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری از رعایت پروتکل‌ها و تعطیلی در شهرهای قرمز و نارنجی ۸۷ درصد است. این میزان برای اصناف فعال در معابر ۸۰ درصد است.

وی همچنین گفت: ماسک زدن در اماکن عمومی به ۶۳ درصد رسیده است و رعایت فاصله گذاری حدود ۶۱ درصد گزارش می‌شود و رعایت در فروشگاه‌های زنجیره‌ای ۸۱ درصد است که همه این اعداد و ارقام نشان می‌دهد اگر این اعداد زیر ۹۰ درصد باشد خیلی اثربخشی ندارد و باید بهتر رعایت شود.

وی با تاکید بر اهمیت جدی گرفتن ویروس جهش یافته انگلیسی در عین حال نسبت به جهش هندی ویروس کرونا هشدار داد و گفت: ویروس جهش یافته هندی به شدت مسری است که میزان تلفات بالایی دارد و گفته می‌شود حتی از ویروس‌های جهش یافته دیگر شدیدتر است.

میلیاردهایی که به پای چرخ و فلک بر باد رفت

ایمان شجاعی مقدم: در تمامی دنیا برای شادی، سرگرمی و جذب توریست به آن مناطق دست به اقدام ایجاد مناطق تفریحی مثل پارک بازی‌ها و... می‌زنند.

استان بوشهر طی سالهای زیادی از وجود یک فضای تفریحی و یک شهربازی برای کودکان و نوجوانان به اندازه کافی برخوردار بوده تا این که در اواسط چهارمین دوره شورای اسلامی شهر بوشهر بود که به پیشنهاد اعضای لایحه ساخت بزرگ‌ترین چرخ و فلک آسیا به ارتفاع ۷۲ متر در نوار ساحلی شهر به تصویب رسید.

مکان نمایی نامناسب

به عقیده برخی کارشناسان با تصویب مکان نهایی و احداث چرخ و فلک بوشهر باز هم شاهد ایجاد پروژه‌های غیر کارشناسی شده‌ای در سطح شهر بوشهر خواهیم بود که در دراز مدت نه تنها گره‌ای از مشکلات شهروندان بوشهری را باز نمی کند بلکه به آنان نیز خواهد افزود.

الهام بارگاهی عضو چهارمین دوره شورای شهر بوشهر در همان دوران در صحن علنی شورا طی اعتراضی نسبت به جای گذاری این پروژه داشت و گفت: از ابتدا هم شغاب را مناسب این طرح نمی‌دانستم چرا که این محل فاکتورهای لازم جهت احداث چنین طرح‌هایی را ندارد.

بارگاهی افزود: وقتی شغاب ظرفیت پوشش ترافیکی حتی بازار ساده‌ای مثل جمعه بازار که فقط پوشاک و بعضی خشکبار را ارائه می‌دهد ندارد و جمعه‌ها شاهد ترافیک شدیدی در اینجا می‌شویم چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم طرحی به این بزرگی و استقبالی که به دلیل نبود شهربازی در استان از این سازه می‌شود جوابگو باشد.

بی‌توجهی به شکایات مردم

بارگاهی از نارضایتی‌های مردمی این منطقه گفت و افزود: بارها شاهد شکایت‌های اهالی شغاب بوده‌ایم که با مراجعه به دفتر شورا یا سطح شهر مراتب اعتراض خود را نسبت به این تصمیم به ما اعلام کرده‌اند اما متاسفانه نسبت به این شکایات توجهی نشده است.

از دیگر ایراداتی که به مکان این طرح وارد است، مجاورت آن با ساحل و رطوبت بیش از حد هوا در مکان است که موجب پوسیدگی و استهلاک هر چه بیشتر قطعات شده و هزینه‌های زیادی را بر دوش شهرداری و در واقع مردم خواهد گذاشت.

اما با وجود همه این مشکلات این پروژه به تصویب رسید و کارهای مناقصه آن در نیمه اول سال ۱۳۹۴ انجام شد و در مهرماه همان سال قرارداد با سرمایه گذار آن به امضا رسید.

بیش از ۴۷ میلیارد ریال برای احداث چرخ و فلک

قرارداد احداث این پروژه بر اساس توافق ۴۷ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال ریال بوده که ۸۰ درصد کل ارزش اعتباری و هزینه‌های زیرسازی و فونداسیون آن برعهده شهرداری به ارزش ۳۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال و سهم نفر دوم معادل ۲۰ درصد به مبلغ ۹ میلیارد و ۴۵۰ میلیون ریال بوده است.

در زمانی که این قرارداد امضا شده است مقرر شده بود از زمان اولین پیش پرداخت تا زمان راه اندازی و بهربرداری هشت ماه بیشتر به طول نکشد و شهر پس از هشت ماه از سرمایه گذاری صورت گرفته منفعت ببرد. اما متاسفانه بعد از گذشت ۶ سال هیچ اتفاق خاصی در روند کار پیش نیامد.

اما جالب توجه اینجاست که در هیچ جای این قرارداد برای تأخیر در ساخت یا پرداخت‌ها هیچ گونه تضامین حقوقی قید و یا اخذ نشده است و به همین دلیل پیمانکار و شهرداری کار را تا هرآن چه که می‌توانستند به طول برده‌اند.

این چرخ و فلک که سالهای زیادی از تأخیر در افتتاح آن می‌گذرد با انتقادهای فراوانی از سوی مردم، مسؤولین، فعالین اجتماعی و رسانه‌ها مواجه شد اما بازهم فایده‌ای نداشته است.

عبدالخالق برزگرزاده عضوشورای شهر بوشهر گفت: طی هفته‌های گذشته شهرداری مقداری از بدهی خود را به پیمانکار پرداخت کرده و پیمانکار مقرر شده پس از دوسال که محل را ترک کرد بود در هفته جاری برای ادامه روند کار بازگردد و کار را شروع کند.

این عضو شورای شهر ابراز داشت: عمده‌ترین کار این پروژه که باقی مانده است نصب موتور آن، نورپردازی و فضا سازی آن می‌باشد.

وی در خصوص زمان اتمام این پروژه افزود: طبق بر آوردهای پیمانکار اگر مشکل خاصی در روند کار پیش نیاید تا سه ماه دیگر کار چرخ و فلک به اتمام خواهد رسید و بعد از طی شدن مراحل مجوزات استاندار آن می‌تواند مورد استفاده مردم قرار بگیرد

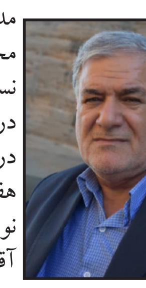
تاثیر تورم شدید اقتصادی بر هزینه ساخت

برزگرزاده بیان داشت: با توجه به اینکه بودجه‌ای که برای این چرخ و فلک در نظر گرفته شده است مربوط به سال ۹۴ بوده و با توجه به اینکه کشور دچار یک رکود و تورم شدید اقتصادی طی سالهای گذشته بوده است یک اختلاف مالی وجود دارد که در کمیسیون ماده ۳۸ درحال بررسی است.

به گزارش فارس، حال باید دید با این همه وعده مسؤولین طی مدت زمان گذشته، مردم بوشهر می‌توانند گردش چرخ فلک در سال کنار ساحل نیلگون خلیج فارس ببینند یا بلندترین چرخ و فلک آسیا هم چنان به حال خود رها می‌ماند.

شاید فکر می کنند فرهیختگان بازنشسته بوشهر جایگاهی ندارند؟

عالی بازدار – شورای کانون های بازنشستگی کشوری استان بوشهر



مدیر مسئول محترم هفته نامه نسیم جنوب با درود و احترام؛

در شماره ۹۵۴ هفته نامه، نویسنده محترم، آقای محمد محبوبی، پیرامون احداث خانه امید بازنشستگان شهر بوشهر با عنوان "پارک شغاب یا خانه امید" مطالبی درج شده که با توجه به ارزیابی انجام شده ایراداتی در آن وجود دارد که خواننده را از شناخت واقعیات دور می کند. بنابراین از جنابعالی تقاضا می شود جهت تنویر افکار عمومی ونیز آگاهی آقای محمد محبوبی جوابیه زیر را در اولین شماره نسیم جنوب درج نمایید.

همکار ارجمند؛ حال که به دفاع از لغو مصوبه شورای شهر و همراهی با رئیس جدید شورا به امر دشوار قضاوت پرداخته اید و دست به قلم شده اید، بهتر بود که با اشراف کامل بر ماجرای احداث خانه امید بازنشستگان در بندر بوشهر به دفاع از لغو مصوبه شورای چهارم می پرداختید. این حداقل انتظار ما از معلم فرهیخته ای است که خود نیز بازنشسته است.

برای اطلاع جنابعالی و خوانندگان هفته نامه وزین نسیم جنوب، توضیحاتی را تقدیم می کنم که در نوشته شما مورد توجه قرار نگرفته است.

۱- در ۲۴ استان تاکنون ۴۵ باب خانه امید به بهره برداری رسیده ودر ۶ استان دیگر یا در مرحله ساخت و ساز است یا در مرحله مطالعه و برنامه‌ریزی و تامین بودجه و استان بوشهر با کمال تأسف از این فضای فرهنگی علیرغم آمادگی صندوق بازنشستگی کشوری برای تامین بودجه محروم مانده است و یقینا با بی توجهی مسئولان اجرایی بودجه اختصاص یافته به جای دیگر منتقل می شود.

۲- به گمان شما خانه امید محلی برای اسکان مسافران است و مخاطبین را با این پرسش مواجه کرده اید که در سفرهایشان تا کنون برای اسکان در خانه امید استفاده کرده اند؟ به آگاهی می رساند که خانه امید برای اسکان مسافر به وجود نیامده است بلکه یک مجموعه فرهنگی است که دارای بخش های مختلفی چون مشاوره، خانه سلامت، مرکز ادبی و هنری، کافی نت، کافی شاپ، سالن، کلاس آموزش قرآن، تغذیه آلزایمر و و و می باشد و هدف آن ارتقا کیفی نشاط و امید در زندگی بازنشستگان دستگاه‌های مختلف مشترک با صندوق کشوری است.

۳- متولی پروژه، صندوق بازنشستگی به تنهایی نیست. صندوق، بودجه احداث و تجهیز ات و فعالیت های بعدی را تأمین می کند اما زمین خانه امید باید در یکی از پارک‌های شهر یا در جوار پارک از سوی شهرداری و استانداری با استناد به بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها به صندوق بازنشستگی واگذار شود.

آیا خبر دارید که در تمام نقاط کشور با استناد به بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها زمین به صندوق بازنشستگی کشوری واگذار شده است؟ و در شهر ما با استناد به این بند با مصوبه شورای چهارم مخالفت کردند؟

بر اساس الحاقیه بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها مصوب ۱۳۴۵ "شهرداری در این قبیل موارد با تصویب انجمن شهر یا شورای شهر امروزی، از اراضی و ابنیه متعلق به خود با حفظ مالکیت به رایگان و با شرایط معین به منظور ساختمان و استفاده در اختیار موسسات متقاضی خواهد گذاشت، همین ماده قانونی کافی است که مسئولان ذی ربط در بندر بوشهر به وظیفه خود عمل کنند و بیش از این بازنشستگان را آزار ندهد. آیا می دانید با برداشت اشتباه یا شاید عمد از این ماده قانونی، بازنشستگان بوشهر را از داشتن مجتمع فرهنگی محروم کرده‌اند و از سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی کشوری جلوگیری شده است. جنابعالی نیز بهتر بود که این حقایق را نیز در نظر می گرفتید و بعد به مخالفت می پرداختید. می دانید که تنها مکانی که به عنوان پارک می تواند پاسخگوی این مجموعه فرهنگی باشد پارک شغاب است. متاسفانه تصمیم گیران شهر ما را به پارک های کوچک محلی هدایت می کنند تا با اعتراضات مردم موضوع فراموش شود. با نگاه ما در محلات بوشهر نیاز به فضای سبز بیش از خانه امید اهمیت دارد. ما چنین خانه امید ی که برای مردم مزاحمت ایجاد کند را نمی پسندیم و نیز برای ما حفظ آثار تاریخی و باستانی نیز اهمیت فراوان دارد. مطابق مصوبه شورای کانون های بازنشستگی کشوری ما خواهان مکان یابی خانه امید در ساحل غربی بوشهر از پارک شغاب تا پارک سیادت هستیم و مکان دیگر توجیه علمی، اجتماعی و... ندارد.

برای عدم اجرای مصوبه شورای چهارم توسط رئیس شورای جدید الاحیاء، پس از اتفاقاتی که در شور ای پنجم و شهرداری افتاد، بهانه‌های عجیبی آورده می شود که گویای این حقیقت است که، بنا بر همکاری نکردن است.

اول استناد به نامه ای کردند که تعدادی امضا دارد و درخواست شان این است که ما خانه امید را در پارک شغاب نمی‌خواهیم یاللعجب. روز دیگر کمبود سرانه فضای سبز را در بوشهر به عنوان مخالفت مطرح کردند و در آخر نیز دست به دامن اداره کل میراث فرهنگی شده اند تا میراث فرهنگی کل پارک شغاب را محدوده آثار ثبت شده ملی اعلام کند. همین عکس العمل های گوناگون نشان می‌دهد که دغدغه حفظ آثار فرهنگی و تاریخی چندان مطرح نیست. پاسخ میراث فرهنگی به شورا مبنی بر این که کل پارک شغاب در محدوده ثبت آثار ملی قرار دارد زمانی ارزش قانونی دارد که ابتدا حریم سایت ۲۰۱۶ در پارک شغاب تعیین شود و سپس با تخلفاتی که در ساخت و سازها ی درون حریم آثار تاریخی ثبت شده انجام شده برخورد قانونی شود . بدانید که ما فرهنگیان و سایر بازنشستگان دستگاه های اجرایی حفظ میراث فرهنگی را محترم می‌شماریم. اما مشاهده می‌کنیم که در این پارک، هتل بوم گردی در همان مکانی که در سال۹۳ کلنگ زنی احداث خانه امید توسط مسؤلان به انجام رسید ظهور می‌کند اما قبل از آن با احداث خانه امید مخالفت می شود، چرخ فلک بر قلب سایت ۲۰۱۶ مستقر می شود، خانه شطرنج ساخته می شود، زمین چمن فوتبال ایجاد می شود و.... چرا برای حفظ آثار تاریخی مخالفتی نمی شود و از مدافعان آثار تاریخی و میراث فرهنگی و جنابعالی فریادی بلند نمی گردد؟ آری، لابد برای مسؤلان مرتبط با موضوع، فرهیختگان بازنشسته شهر بوشهر جایگاهی ندارند و امروز به این بهانه که کل پارک شغاب ثبت آثار ملی شده است از واگذاری ۷۰۰ متر در آن بخش از پارک که فضای سبز هم وجود ندارد موافقت نمی شود؟

شورای شهر نقش نظام پارلمانی را در شهر ایفا می کند و اصالتا مشورت قبل از تصمیم گیری باید در همه امور این نهاد ارزشمند جاری شود نقش کدخدا برای تحکم جای خود را به مشورت داده است. آیا پاسخی برای این پرسش دارید که: رییس شورا چرا اجازه طرح لایحه شهرداری که به تصویب کمیسیون عمران شورا نیز رسیده است در صحن علنی شورا نمی دهد؟ تا قانون فصل الخطاب باشد. اگر به اعضای باقیمانده شورا پس از خروج ۶ عضو اعتماد ی هست، اجازه اظهار نظر نیز باید به آن ها داده شود شورا محل تضارب آرا و اندیشه ها است. دوره کدخدا منشی را پشت سر گذاشته ایم. ما تابع نظر نهایی جمع اعضای شورا هستیم. در صورت تصویب لایحه واگذاری زمین در پارک شغاب اقدامات بعدی انجام می شود و در صورت مخالفت شورا با لایحه، ما نیز تمکین کرده و منتظر مکان یابی در جای دیگر ساحل غربی بوشهر می مانیم.

اسنادی به شرح زیر برای احداث خانه امید در پارک شغاب وجود دارد:

۱- مصوبه هیات وزیران، ۲- مصوبه جلسه ۱۱۵ شورای چهارم، ۳- اصرار نامه شورای چهارم و تاکید استاندار وقت، ۴- تبصره ۱ ماده ۸ الحاقی به بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها، ۵- مصوبه جلسه ۲۹ شهریور ۹۹ با حضور مقامات و معاون سیاسی امنیتی استاندار، ۶- دو مصوبه شورای کانون های بازنشستگی کشوری بوشهر، ۷- نامه مدیرکل اجتماعی فرهنگی استاندار به رییس شورای شهر، آقای پوربهی، مبنی بر این که بدون فوت وقت برای احداث خانه امید اقدام شود، ۸- مصوبه جدید کمیسیون عمران شورا در راستای لایحه تقدیمی شهرداری به شورا.

انتظار و زندگی

عبدالخالق ماجدی



محمود ابراهیم زاده بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال ایران از آمریکا تماس گرفت و دقایقی درباره گذشته و حال روزگار صحبت کردیم. حین صحبت یادی کردیم از یک زن و شوهر بوشهری بنام غُلو هَپو(غلام) و فاطو خسکه (فاطمه) از اهالی کوی شکری. محمود گفَت که غُلو از دنیا رفته ولی فاطو در خانه سالمندان بوشهر است. به محمود قول دادم که حتما در یک فرصت مناسب به دیدنش می روم.

روز جمعه، صبح به خانه سالمندان رفتم. به خاطر ملاحظات بهداشتی پاندومی کرونا وارد انتظار-گاه و بیقرار-گاه شان نشدم و در حیاط دقایقی با آشپز مرکز صحبت کردم. سوالاتی درباره تعداد و نیازمندی سالمندان کردم و پاسخ داد که هرچه یک خانه نیاز دارد این جا هم همین طور است.

از پشت پنجره نگاه تک تک شان را می دیدم. همگی با هم در یک لحظه مرا نگاه کردند ولی خیلی زود نگاه شان را از من گرفتند و...

خودم از سوالی که از آشپز مرکز کردم خجالت کشیدم!

سوال درباره نیازمندی یک انسان شاید بتوان یک حماقت لحظه ایی نامید.ما از لحظه های زندگی غافلیم و زندگی ما بیشتر به خواب با چشمان باز شباهت دارد!

غفلتی پیوسته و خالی از هرگونه آگاهی... .

هر لحظه و ثانیه ایی از زندگی که خارج از آگاهی و حضور باشد تهی از معنا و عشق است. چرا ما از زندگی لذت نمی بریم؟! پاسداشت زندگی مگر به خاطر فقط انسان و گفتگو با انسان نیست؟!

اگر نسبت به انسان غفلت کنیم چگونه می توان معنای زندگی را پیدا کرد؟!

همکارم که همسرش پزشک است تعریف میکرد که در بوشهر چند روزی میزبان پدرم بودم که از شهرستان آمده بود. برای صبحانه نان از فریزر درآوردیم و گرم کردیم. ناهار و شام از رستوران بیرون بر خریدیم و با عجله خوردیم و از خستگی زود شب بی رمق خواب رفتیم.

فردا دیدم پدرم ساکش را بسته است و داشت میرفت! جلوی کاخی که درست کرده بودیم بهم گفت: بابا! زندگیت دو قِرون نمی ارزه..

روح از زندگی ها رفته است. بقول فیلسوف آلمانی؛ اِکهارت تله، مدرنیته با از بین بردن زمان حال و تهی کردن زندگی از حضور آگاهانه و عشق، به شکل نفس و دشمن انسانی در آمده است!

مدرنیته با به شکل درآوردن حیات آدمی به شکل مرز و کشور و قاره و پوست و رنگ، سیالیت را از زندگی سلب کرده است و بیشترین مشکل بشر عادت وارگی به این اشکال است و با هر از دست دادن یکی از این اشکال به ماتم می نشیند. با شکل گیری ماتریالیست، حیات دچار صُلبیت و جزم اندیشی رادیکالی شد.

فلاسفه معتقدند ریشه ترس کنونی آدمی از مرگ هم نه بخاطر پایان زندگی است بلکه بخاطر از دست دادن زندگی فیزیکی است. انسان مدرن مقاومت در برابر از دست دادن ها بلای جان و روحش شده است.

درد بی خویشتنی و از خود بیگانگی کنونی آدمی محصول یک روز و یک شب نبوده است و ظاهرا روز به روز در حال وخامت است.

جستارنویسی هایم را قبلا بصورت انفرادی برای دوستان در فضای مجازی می فرستادم. بعدا که امکان انتشار به صورت یک جا و فله ایی ایجاد شد در ظاهر کار برایم راحت تر شده بود ولی بعد از مدتی متوجه شدم که چه قدر این کار بی روح است و اصل گفتگو با انسان را از معنا تهی کرده است.اولین بار که در کلاب هاوس، لیست انسانهای در حال انتظار برای صحبت کردن با هم پیرامون یک موضوع خاص را دیدم وحشت کردم.

قبلا فکر می کردم سیاه ترین لحظات تاریخ، جنگهای محلی و جهانی بین انسانها بوده است ولی الان بنظرم سیاه ترین لحَظه زندگی، سپردن انسان/ والدین به سرای سالمندان است و البته که خیلی هم با جنگهای انسانی تفاوتی ندارد چون که در هر دو، شاهد صحنه غفلت و ناآگاهی از زندگی یا بنوعی غفلت از انسان و نه تنها نادیده گرفتن بلکه شاهد جنایت به انسان و انسانیت هستیم.

من امروز شاهد مرگ تدریجی کسانی بودم که بنوعی قربانی شکل گیری نوعی زندگی جدید و البته بی معنا شده بودند. حسرت زندگی ساده گذشته و انتظار دیدار فرزندان در آینده ای نزدیک و بعضا خیلی دور، صرف و درک زمان حال را در زندگی این والدین چشم انتظار بی معنا کرده بود.

در خانه سالمندان زمان و مکان بی معنا شده است! چرا؟ چه چیزی به زمان و مکان معنا می بخشد؟

خانه سالمندان تنها چیزی که نیاز نداشت آشپز بود! فقط روزی که فرزندان به دیدار والدین می آیند این پدران و مادران غذا می خورند ولی بقیه روزها ... .

انسان و فقط انسان و عشق و حضور آگاهانه بوده است که به زمان و مکان زندگی و معنا بخشیده است. برای آینده انسان تربیت کنیم تا عشق به زندگی برگردد و خانه سالمندان در هیچ نقطه ای سامان نگیرد و شاید بتوان تا ابد چراغش را خاموش کرد که این خود مستلزم نشستن در روشنایی چراغ عشق و زندگی براساس سلوک خودآگاهی محض و درک حضور و زمان حال است.

یک مطالعه خاص درباب زنان جنوبی در عصر قاجار؛

معرفی و بررسی کتاب «سدیدالسلطنه و مطالعات زنان خلیج فارس در عصر قاجار» اثر سید قاسم یاحسینی

نوشتهٔ: پروانه شاهرخ مقدم (دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر)

سید قاسم یاحسینی، یکی از پرکارترین مورخان، نویسندگان و خاطره نگاران بوشهری به شمار می رود. از وی تا کنون بیش از نود عنوان کتاب چاپ و منتشر شده است. به گفته خودش تقریباً همین تعداد هم کتاب چاپ نشده و یا در دست تألیف دارد!

یاحسینی این بار سراغ سوژه ای رفته است جالب، نو و سرشار از ناگفته های عصر قاجار در جنوب ایران؛ حال و روز زنان!.

پیش از این ما بوشهری ها کتاب های زیادی از او درباب مطالعات زنان و خاطرات آنان خوانده بودیم. کتاب هایی چون «یک دریا ستاره؛ خاطرات زهرا تعجب همسر شهید مسعود(حبیب) خلعتی»، (1386)، «از جنگ «لرده» تا «حماسه سیمین»؛ بازخوانی نقش زنان دشتستانی در مبارزات ضداستعماری و استبدادی، (1387)، «»دریا خانم؛ خاطرات آذر علامه زاده»، (1388)، دختری به نام کتاب؛ گفتگو با شادروان زهرا شریف پور بوشهری در عرصه فرهنگ و کتابداری،» (1393)، «روزنامه مظفری بوشهر؛ وضعیت زنان پیش از مشروطه»، (1393)، «زن بوشهری در جنگ و فرهنگ»، (1394) و ... تنها نگاهی به عناوین این کتاب-ها روشن می کند که یکی از مهمترین دغدغه های فکری و زندگی علمی یاحسینی، خاطره نگاری، تاریخ نگاری و مطالعات مربوط به زنان شهر و دیارش می باشد.



همان طور که از عنوان کتاب مشخص است، کتاب جدیدش به تحلیل و بررسی گزارش هایی می پردازد که «محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی» در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی در مورد زنان جنوب ایران و به خصوص بوشهر و تنگستان در آثار خود آورده است. کتاب در 170 صفحه قطع وزیری و توسط انتشارات هامون نو در سال 1399 به چاپ رسیده است. این کتاب در واقع مجموعه مقالاتی است شامل هشت یادداشت و یک مقالهٔ کوتاه که عبارتند از:

«نقش احمد اقتداری در احیا آثار سدیدالسلطنه کبابی»: در این مقاله پس از نگاه کوتاهی به زندگی و آثار سدیدالسلطنه به معرفی ای از استاد احمد اقتداری احیاگر آثار سدیدالسلطنه و تلاش هایش برای انتشار این آثار پرداخته شده است.

«سدیدالسلطنه و مطالعات زنان بوشهر در عصر قاجار»: در این مقاله کوشش شده تا منظومه ای منسجم از گزارش ها و یادداشت های سدیدالسلطنه از وضعیت و روزگار زنان بوشهر در فاصلهٔ پیش از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول به دست داده شود.

«سدیدالسلطنه و زنان گرجیه در بوشهر»: این مقاله یاداشت مختصری است درباره موضوع زنان گرجی در بوشهر و جنوب ایران برپایه گزارش بسیار کوتاهی از سدیدالسلطنه که در یکی از یادداشت های روزانهٔ خود نوشته است. «زنان شاعر در مشوش نامهٔ سدیدالسلطنه»: این مقاله خوانشی انتقادی از ذکر چند زن شاعر در تذکرهٔ «مشوش نامه» سدیدالسلطنه است.

«غذاهای محلی بوشهر در عصر قاجار و انقلاب مشروطیت به روایت سدیدالسلطنه»: این مقاله مشاهدات و گزارش های سدیدالسلطنه در مورد غذا، اقتصاد غذا، مواد غذایی و رژیم طبخ در بوشهر عصر قاجار است.

«تجارت کالاهای اساسی و خوردنی مردم بندر لنگه در اواخر عصر قاجار به گزارش سدیدالسلطنه»: این مقاله بخشی از یادداشت های سدیدالسلطنه درباب اقتصاد مصرفی و تجارت خارجی و داخلی مواد مصرفی و خوردنی در بندر لنگه است.

«سدیدالسلطنه و زنان خلیج فارس»: این مقاله گزارش هایی پراکنده از سدیدالسلطنه درباره دختران و زنان خلیج فارس است که در کتاب «سرزمین های شمالی خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش» آمده است.

«زنان و دختران در زندگی و نگاه سدیدالسلطنه»: این مقاله نگاهی فشرده و بسیار کوتاه به جایگاه زن و زنانگی در زندگی خصوصی و آرمان های فردی و شخصی سدیدالسلطنه دارد.

یاحسینی «محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی» را مورخ، نویسنده، سفرنامه نویس، شاعر و مردم نگار مشهور ایرانی اواخر دوره قاجار و دوران سلطنت پهلوی اول در ایران می داند که در میان انبوه مطالب و یادداشت هایی که این پژوهشگر جنوبی از خود برجای گذاشته، مطالعات ارزشمند و جالب اما بسیار پراکنده و تحلیل نشده ای، نیز دربارهٔ زنان و دختران بوشهری و برخی آداب و رسوم آنان برای آیندگان به یادگار گذاشته که بسیار ارزشمند و مفید هستند.

به گفتهٔ یاحسینی، سدیدالسلطنه کنجکاوانه کوشیده تا هرگونه اطلاعاتی را که می توانسته از محیط پیرامونی خود گردآوری و ثبت و ضبط نماید. به طوری که امروزه یادداشت های سدیدالسلطنه



روایت دست اول و نابی درباره انواع اطلاعات اقتصادی، مردم شناسی، مطالعات زنان، تاریخی، ادبی، فرهنگی و... بوشهر در آستانه انقلاب مشروطه است. هرچند یاحسینی این توجه استثنایی و منحصربه فرد سدیدالسلطنه به موضاعات مربوط به حیات اجتماعی، فرهنگی و شخصی زنان در بوشهر و خلیج فارس را، دلیل بر «فمینیست» بودن سدیدالسلطنه یا حتی طرفدار حقوق زنان بودن سدیدالسلطنه نمی داند و به لحاظ فردی و شخصی وی را مردی همچون مردهای هم عصر خود می داند، که نگاهش به زن و زنانگی نگاهی سنتی و مطابق با عصر خویش مردسالارانه بوده است. با این وجود، یاحسینی سدیدالسلطنه را «پیشگام مطالعات زنان در ایران عصر قاجار» به شمار می آورد.

از مهترین نقاط قوت کتاب جدید یاحسینی می توان به روانی شیوه نگارش متن کتاب اشاره نمود. وی در این کتاب برای شفاف نمودن گزارش های سدیدالسلطنه به تفسیر روایت ها پرداخته و با روانی و شفافیت تا جایی که ممکن بوده، موضوع را بسط داده است؛ همین بسط مطالب، باعث بالا بردن درک خواننده از موضوع می شود. به عبارت دیگر می توان گفت که یاحسینی در این کتاب صرفاً به ذکر گزارش های پراکنده و تحلیل نشدهٔ سدیدالسلطنه اکتفا نکرده و کتاب تفسیر و تحلیل ایشان از این گزارش ها را نیز، شامل می شود.



نکتهٔ مهم در باب این کتاب، غنای تئوریک آن و آمیختنش با مواد و مصالح سدیدالسلطنه است. یاحسینی بدون آن که هیچ ادعایی داشته باشد، نشان داده که با نظریات و دستاوردهای نظری و عملی جنبش زنان در غرب و ایران به خوبی آشناست. او این آشنایی را صرف تحلیلی نو از داده های تاریخی سدیدالسلطنه کرده است و موفق به نگارش یک اثر درجه اول در مطالعات زنان عهد قاجار شده است.

کتاب دارای درون مایه ای نو و تازه است. مطالب و به¬خصوص نگاه و «تاریخ نگری» یاحسینی در این کتاب، بکر و اصیل است. او برای اولین بار در زمینه مسائل مربوط به زنان در جنوب ایران، در برههٔ زمانی اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، مطالبی را برجسته کرده که تا امروز از دید مورخان، انسان-شناسان فرهنگی و محققان مسائل و مطالعات زنان در داخل و خارج از کشور، دور و پنهان مانده بود.

در همین راستا است که متن کتاب تنها مباحث تاریخی را شامل نمی شود. همان طور که یاحسینی در مقدمه کتاب هم عنوان کرده، در تمام موارد سعی نموده که کتاب مباحث بین رشته ای و رشته هایی چون «تاریخ از پائین»، «تاریخ خرد»، «تاریخ روزمره»، «مطالعات زنان»، «تاریخ نگاری زنان»، «خلیج فارس-شناسی»، «انسان شناسی فرهنگی»، «تاریخ محلی»، «جامعه شناسی» و حتی «تاریخ ادبیات» را پوشش دهد.

از دیگر مواردی که در این کتاب به عنوان یک نقطه قوت به طرز بارزی مشخص است، جامع و کامل بودن پی نوشت ها و پانویس های متعدد و کثیر کتاب است. یاحسینی در این مورد نیز برای همیاری رساندن به خوانندهٔ کتاب سنگ تمام گذاشته است! ایشان در صورت نیاز با ذکر مطالبی کامل در پی نوشت صفحه ها به آگاهی های خواننده افزوده و نکاتی را دربارهٔ آن چه درون متن آمده روشن می کند.

موضوع دیگری که شخصاً در کمتر کتابی با آن مواجه شده ام، ارائهٔ طرح ها و ایده های مطالعاتی خلاقانهٔ یاحسینی به علاقمندان و پژوهشگران در موضاعات گوناگون برای تحقیق و پژوهش در پایان مطرح کردن هر بحثی است. ایشان بعد از اتمام تحلیل و تفسیر هر موضوعی از گزارش های سدیدالسلطنه، به علاقه مندان و پژوهشگران در آن موضوع خاص، طرح ها و ایده های جالب و نوی برای تحقیق و پژوهش پیشنهاد می دهد. تا آن جا که می دانم کمتر مورخ و پژوهشگری، دست و دلبازانه به چنین کاری پرداخته است.

نگارندهٔ این سطور، که سال هاست در زمینه مطالعات زنان به تحقیق و پژوهش مشغول است، کتاب را به-دلیل نگاه تازه ای که هم در مورد خود محمدعلی خان سدیدالسلطنه و هم آثار و مطالعات دیگر دارد، سخت پسندیدم. در خلال مطالعه این کتاب، دانشم در مورد مسائل گوناگون وضعیت و حال و روز زنان جنوبی در عهد قاجار بالا رفت. علاوه بر این پرسش های زیادی را که نسبت به این دوره، به ویژه در مورد وضعیت زنان داشتم، پاسخ داد.

به تمام علاقه مندان به مباحث بین رشته ای، بوشهر پژوهی، خلیج فارس پژوهی، به ویژه پژوهشگران در حوزه تاریخ نگاری، تاریخ نگری و مطالعات زنان، مطالعه این کتاب را توصیه می کنم. امیدوارم شما نیز همچون من غرق در لذت خواندن متن روان و قابل فهم این کتاب بشوید.

از میزبانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی تا کمبود امکانات درمانی در بوشهر

احمد خواجه حسنی

بتازگی دکتر سعید کشمیری رئیس دانشگاه علوم پزشکی، پایتخت اقتصادی و انرژی (بوشهر)، مطلبی را در فضای مجازی منتشر فرمودند که موجی از تأسف و تألم جمعی را با خود به همراه داشت و نگارنده را بر آن داشت تا ضمن عرض خدا قوّت، تشکر و قدردانی از زحمات دبیر ستاد مقابله با کرونای استان و همکاران ارجمندشان، در این زمینه نکاتی را به رشته تحریر درآورم.

واقعیت این است که بدون مشارکت جامعه بسیاری از برنامه های حوزه سلامت اثر بخشی مطلوب را نخواهند داشت، لیکن مشارکت اجتماعی را بایسته است با اقتضای جمیع شرایط موجود به نحوی جامعه پسند انعکاس داد. در جامعه ارتباطی و اطلاعاتی کنونی شاهد بروز جامعه ای برخط (آنلاین) در قالب شبکه های اجتماعی به عنوان پل ارتباطی برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی هستیم که به رسانه ای قابل دسترس و فراگیر بدل شده است.

ایشان در یادداشتی که رسانه ای فرمودند (نقل به مضمون) از خیرین و نیک اندیشان به جهت تأمین مواد غذایی بیمارستان ها از جمله آب معدنی- مرغ- برنج و گوشت (نذر سلامت) استمداد طلبیدند.

حسب مفاد سند چشم انداز سال ۱۴۰۴ کشور، جامعه‌ی آرمانی به نحوی ترسیم شده که می‌بایست از حداکثر سلامت عمومی و سهولت دسترسی به خدمات بهداشتی برخوردار باشیم. حال ما را چه شده است که به نذر سلامت به جهت تأمین مایحتاج غذایی بیمارستانی در استان زرخیز بوشهر رسیده ایم و چرا با گذشت بیش از چهار دهه در شرایطی قرار داریم که واپسگرایی پیشه کنیم؟

علی ایحال، باورمندم انتشار پست یاد شده فراتر از یک درخواست همکاری و رأساً سندی دال بر تائید فلاکت استان بوشهر می باشد. استانی که با وجود در اختیار داشتن ذخایر غنی زیرزمینی بالاترین نقش در پیشرفت و توسعه و بالاترین درآمد را برای کشور دارد و شگفتا که شوربختانه کمترین سهم از این درآمدها به خودش برمی گردد .

از میزبانی صنایع بزرگ نفت، گاز و پتروشیمی در یتیم خانه ای بنام بوشهر، نه تنها در تأمین غذای بیمارستانی درمانده ایم که با چالش های موضوعی دیگری نیز مواجهیم به عنوان مثال: مطابق آمارهای سال ۹۶ سرانه تخت های بیمارستانی در استان بوشهر کمتر از دو پنجم میانگین جهانی و دو سوم میانگین کشوری است و این نارسائی های بهداشتی و درمانی در نوع خود نیاز به تأمل و تعمق دارد. استان زر خیزی که هماره در توزیع عادلانه بودجه‌های استانی محروم و مظلوم واقع شده است.

نیک آگاهیم که در فرازهای متعددی از نامه امام



علی (ع) به مالک اشتر به نقش حاکم اسلامی در برقراری عدالت، توجه و اهتمام عام در برابر خاص تاکید گردیده است.

"چیزی مانند عدالت سرزمینها را آباد نمی سازد" – امیرالمومنین (ع)

محل سؤال است، مفروض بر اینکه طرح معکوس درآمد سرانه در جریان باشد چه فاجعه ای برای استان رقم می خورد؟

به هر روی، بس بعید می نماید که دکتر کشمیری از تبعات منفی اجتماعی این استراتژی مددخواهی بی اطلاع باشند!

در شرایط حاکم بر اقتصاد کشور که کسر قابل توجهی از مردم دغدغه معیشتی دارند و معدودی از جامعه در تأمین حداقل های معیشتی درمانده اند، با توجه به شروع و گستره پیک چهارم کرونا، سوء سیاست گذاری و رخداد فاجعه انسانی، جامعه در شرایط یأس و نا امیدی به سر می برد و اتخاذ چنین تدبیری از جانب دبیر ستاد مقابله با کرونا به مثابه فراخوان فرمانده ای می ماند که وسط میدان جنگ نیروها را به خط کرده و به ایشان اطلاع می دهند بدانید و آگاه باشید که از تأمین حداقل مایحتاج اولیه تغذیه ای درمانده ایم، آن هم در وضعیتی که شاخص امید به زندگی در استان بوشهر بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و با بهره‌گیری از داده‌های ثبتی کمتر از میانگین کشوری است.

همگان آگاهند که ضعف سیستم بهداشت و درمان سلامت عمومی جامعه را با چالش های دهشتناکی مواجه خواهد کرد.

مأموریت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تأمین سلامت همه جانبه جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی آحاد جمعیت ساکن در پهنه جغرافیایی جمهوری اسلامی با اولویت مناطق کم برخوردار است و این در حالی است که امروزه، نظام سلامت جولانگاه کشمکش های حزبی و جناحی شده است و سیاسی کاری وجه غالب موضوعات پیرامونی است.

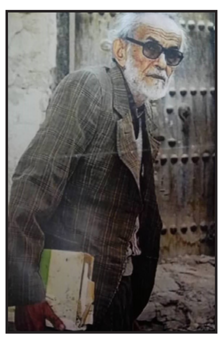
یحتمل به یاد دارید که سال گذشته نیز در راستای کمبود تجهیزات و اقلام پزشکی بیمارستان ها، به مردم جهت تأمین کمبودها رجوع شد. علی ایحال از جمله دلایل رخداد این اتفاق، عدم هماهنگی مابین مدیران دولتی در استان، ضعف مفرط و ناتوانی مدیران در ارتباط گیری و تعامل با مدیران ارشد کشوری و به اغلب احتمال ترجیح محله گرایی در مجمع نمایندگان استان می باشد.

امید است پیرو منوّیات مقام معظم رهبری در خصوص توزیع عادلانه خدمات درمانی و بهداشتی در سطح کشور نهایتاً توازن و تعادلی در شاخص‌های توزیع عادلانه بودجه استان‌ها فراهم گردد و مردم استان بوشهر در این زمینه محول الحال گردند.

خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی (۱۴)

کفیل های شهرداری بوشهر

به کوشش محمد علی بختیاری



مهندس زند آدم کوتاهی و چهارشانه ای بود. آدم صورت پری بود. منطقی حرف می زد. خیلی با لسان ادبی صحبت می کرد. با هر کسی مطابق منطق خودش صحبت می کرد. به هر حال هم فرماندار بود هم شهردار. مدتی بعد مهندس زند دیگر از بوشهر رفت. بین رفتن اول زند آب بوشهر از طریق عالی چنگی بود نوبت دوم که آمد آب بوشهر از شاپور می آمد. بین زند اول و بار دوم که چه کسانی شهردار شدند؟ آقای ریشهری بود. احمد مهرانپور کفیل بود. خانه اش بغل فرمانداری بود و داماد آقای خلیل قنبری بود. خلیل قنبری تاجر بود. خانه بزرگی دارد تو میدان شیخ سعدون که الان پارک ساختند. یک خانه دیگرش هم جلو بانک سپه قدیمی بود. سه تا برادر بودند خلیل و اسماعیل و احمد. خلیل تاجر بوشهر بود. مهرانپور کارمند شهرداری و حسابدار بود. انجمن شهر می گفت شما کفیل باش. کسی نبود تو کفیل باش تا یکی از تهران بیاید. سید اسماعیل هاشمی بود. کفیل می شد که رفت معاون شهرداری شد. زمانی که این ها کفیل می شدند سه ماه، چهار ماه، پنج ماه طول می کشید. بعد دیگر انجمن می آمد شهردار انتخاب می کرد. در حینی که انجمن شهردار انتخاب می کرد. یک شهردار هم وزارت کشور می فرستاد. همیشه اعتراض بود بین انجمن و وزارت کشور. در یک روزی دو تا شهردار داشتیم. آقای جاوید دستوری شهردار بود. آقای مهندس ارجمند که در استانداری هم بود حکم شهرداری بهش دادند. چون آقای جاوید دستوری خصوصی کار می کرد یعنی روی امور خودش کار می کرد رو حساب خودش کار می کرد. کار ملت و مردم نداشت. در انتخابات هم دخالت می کرد. زمانی بود که انتخابات مجلس شورای ملی بود. آقای صفری پور می خواست برای شهرداری انتخاب بشود و آقای محمدی. ما طرفدار صفری پور بودیم. ایشان هم دخالت می کرد در انتخابات. برای کسانی دیگر. من بازرس نانوایی بودم. من همیشه صورت مجلس می کردم برای نانوایی می آوردم تحویلش می دادم. صورت مجلس برای شورای داوری. صفری پور عضو شورای داوری بود. او هم نماینده مجلس شورا، دستوری یک نفر بنام ماشاالله را وادار کرد که شما رأی نانواها به ما بدین و ما تمام صورت مجلس هایی رو که جمالی کرده خنثی می کنیم. من می دیدم روی صورت مجلس من ۲۰ روزه انجام دادم نمی رود شورای داوری. پاسبان در اختیار من است ولی به شورای داوری نمی رود. روی این قضیه تحقیق کردم. خود همین علی خسروی که همکار ما بود گفت آقا این دستوری این کارها می کند. همچین چیزی و همچو برنامه ای پیاده کرده است. خوب این آمد یک نفر به نام ماشاالله که نانوایی داشت بر علیه ما علم کرد یک نامه ای نوشت داد چند تا نانواها هم امضا کردند که جمالی ۲۵۴۲ تومان از ما گرفته. یک احضاریه هم آمد برای ما. دادگاه هم آقای غریبی الان هستش تو شورای داوری هم آقای غریبی هم کنار ساحل بود. دادگاه اینجا، دادستان یک آدم کچل و کوتاهی بود. اسمش به نظرم تو پرونده باشد. یک احضاریه آمد برای ما به عنوان کلاهبرداری رفتیم آن جا. گفتم من چه کرده ام؟

گفتن کلاهبرداری و آقای ماشاالله نامه نوشته که دو هزار و پانصد و فلان برداشته ای. چرا این کار کردی؟ نگاهش کردم گفتم که نه اینجور کور خواندی. اولا عمل برخلافی انجام داده که تو انتخابات دخالت می کنی بر علیه قانون کشور و یکی مغایرت دارد با شغلت. موقعی تو می توانی این کار کنی که مدرک از دیگر نهادها به تو اطلاع داده باشند سازمان امنیت باشه که جمالی این کار می کند. آگاهی شهربانی بگوید جمالی این کار را می کند. آن وقت تو می توانی برای من احضاریه صادر کنی. آن هم باید دلال من بیاوری. اول باید علی خسروی بیاوری ازش سوال بکنی. برای چه من را آوردی؟ من بر علیه تو اعلام جرم می کنم. باخت. گفتم نه این دستکاری کرده با آقای دستوری تو انتخابات. مخصوصا کار هم بلد نیستند بکنند می خواهند دردسر برای من درست کنند، یک آدم فرستاده می خواهند برایم شر درست کنند. حالا می خواهم بگویم که انسانها چه طور با هم فرق می کنند. یک شاطر غلامحسین طبیب داشتیم خدا رحمتش کنه حجره اش هم تو خیابان ششم بهمن بود. ماشاالله را سر یک سفته که اخبار من گیرش آمده بود کردنش زندان.

هفته نامه
نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

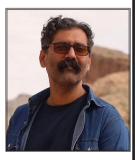
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



سعدی بماناد...!

به انگیزه ی یکم اُردی بهشت ماه؛ روز سعدیِ جان حماسه ی حق پرست



نقش برجسته و نام بلند و نگارگری های افصح المتکلمی، سعدی نامدار و نام گستر، تا آن جاست که حافظش از پس پشت قرنی دورتر، حافظانه و رندانه و خاضعانه و البته در نهایت صداقت و اخلاص و ارادت، استاد سخنش می داند و می خواند و قرونی آن سوتر، بخش عمده ی عُمر رند و سیاستمدار ادب پژوهی چون ذکاءالملک را به خود وا می دارد تا نسخ شیخ مصلح الدین چندین و چند بار بازخوانی و وانویسی شوند و حرف به حرف و واژه به واژه و کلمه به کلمه و مصرع به مصرع و بیت به بیت به اصلی و اصیل ترین روایت دست یازیده شود و اندیشه و نگاه و نگرش و نوشتار و گفتار سعدی را آن گونه که در اعجاز آن سخن سرای صاحب نظر متبلور و مشخص است، کلیات سعدی گرد آورده شود و به زیور طبع سپرده و آراسته گردد.
وّ تا باز آن سوتر هنوز، اهل موسیقی با طیب خاطر و فراغ بال، طبع و مضراب و زخمه هایشان بر سعدی نامه، خوش خوش بنشیند و در خیال به ساخت و پرداخت آهنگین کلام آن سخن پرور بی همتا بپردازند.
تا مگر از راه رسند و بخوانند در هر مقام و بسازند و بنوازند و بگسترانند کلام سعدی و مقابل رویش بگذرند در هر مجال و هر دستگاه و راه و وزن و بحر و سجع و ایقاع ...
و بخوانند به آوازی گران تا تو از در به درآیی و همگان از خود به در شوند در چهارگاه ...
تا سر عشق بجویند و بپویند و بگویند: به هوش بودم از اول که...
و فریاد برآید از انتهای عاشقانه های بی پروایشان؛ دگر نصیحت مردم حکایت است...! در ماهور ...
و به خُنیایی خوش، اما در تضادی آشکار و تعارضی بدیع و بدیهی بخوانند:
سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی! در سه گاه...
و باز آن سوتر و در خاوری دور و نزدیک، خنیاگری از دیار خیام، پی ریزد از کلام تو تصنیفی تمام و کمال که:
دلبرا پیش وجودت همه خوبان، عدمند در همایون ... یا در مخالف و حتا در مثنوی:
نقش نامت کرده دل محراب تسبیح وجود!



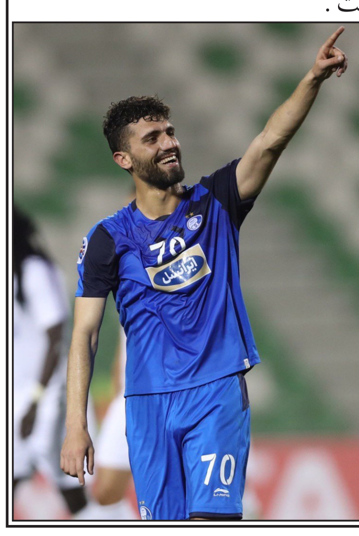
و حاشا و هرگزا که تاریخ ادبیات یک جغرافیا بتواند و بخواهد تَا تو را نخَواند و نشنود در هر مقام
و هر گوشه و هر آه و آهنگ !
و اما !
پیش تَرَک و از پس پشت همه ی تجربیات دیدار کلیات و غور در غزلیات و آن همه جَست و جُست وجوی تو، کاری کارستان در تاریخ موسیقی ایران، چنان که برازنده ی نقش برجسته و نام بلندِ سعدی در تاریخ شعر و ادب این سرزمین و گستره ی جهانی است و شاعری هفت قرن و هفت دریا و هفت آسمان و زمین و هفت اقلیم بعدتر، بسراید:
سعدی بماناد!
کز شعله ی نام بلندش
نام ها سوخت!
و این گونه و این سان آهنگی دیگر به گوش و نیوش عاشقان و شیفته گان آن استاد بی همتای سخن رسانیده شد ؛ در نوا ، مرکب خوانی...
نی و نوایی جاودان در تاریخ موسیقی یک ملت و ملک و مملکت !
ساز و آوازی تمام عیار که ماند و بماناد تا روزگارانی دور و بعید که مگر بگردد و تکرار شود و به گمان و باورم، که زهی خیال باطل ؟!
نوا و بیات ترک و سه گاه و... تحریرهای فرونشسته در نایِ نیِ و آواز که دو غزل از غزلیات سعدی را آن چنان به تاریخ و فرهنگ و هنر و موسیقی میهن و هنر همراهی ساز و آواز، گره زده است که تو گویی از ناگزیر آثاری است که باید و قطعا و حتما شنید و به احترام با تمام وجود، عرض ارادت نمود.
بگذار تا مقابل روی تو بگذریم ...
و
ما گدایان خیل سلطانیم...
چه می توان گفت مگر؟!
آن گاه کا از پشت و پناهِ آن همه قرن که تو خود نیز می دانسته ایی و گفته ایی که؛ سعدی، دگری ندارد ...!
و در هوایت هم همان بهتر که عمری را صرفِ دیدن آن نقوش برجسته و آن خطوط ریحانی و آن نام بلند بنماییم و در آوازی در شور، در اوج، بخوانیم:
سعدی بماناد...!

زنگ خطر برای پسر آبی دل دشتستانی، محمد دانشگر

نادر اقدام – پیشکسوت فوتبال ایرانجوان بوشهر



محمد عزیز، این یادداشت را نه به قصد نصیحت بلکه از سر دلسوزی برای یک جوان با استعداد هم استانی می نویسم. همان طور که میدانی خطه جنوب به ویژه بوشهر مهد اولیه فوتبال ایران است. نمی‌خواهم از بزرگان پیشکسوتی نام ببرم که همگی مایه مباهات ما هستند و خواهند بود چون قطع به یقین نمی توانم در این مجال کوتاه همه ی آنها را یک به یک به خاطر بیاورم و نام ببرم. استان بوشهر هم اکنون نیز چهره های تاثیرگذار زیادی به فوتبال ایران معرفی کرده که هر کدام با بازی هایشان اشک شوق به چشمانمان می آورند. چهره‌هایی که در آینده پیشکسوت خواهند شد و مایه مباهات. دوست دارم تو نیز جزء این چهره ها باشی.
از موقعی که وارد تیم پرافتخار استقلال تهران شدی من هم مانند هر بوشهری دیگری به تو افتخار کردم. مدافع پیشتازی که گل می‌زند، دفاع می‌کند، فضاسازی می‌کند و با تعصب و جنگنده است. چند وقت پیش کلیپی از بازیکنان استقلال دیدم که یک هم تیمی تو در پاسخ به سوال: «اگر دعوا بشه کدام هم تیمی را خبر می کنی که بیاد کمکت کنه؟» پاسخ داد: «همه میدونن محمد دانشگر!!» اینجا بود که زنگ خطر در گوشم به عنوان یک هوادار تو صدا کرد. چرا باید تو را به عنوان فردی آماده دعوا معرفی نمایند، نکند تو به عنوان بازیکنی پرخاشگر شناخته شده باشی؟ بی‌شک در این حرف‌ها تعمدی برای کوبیدن تو نبود. شاید دوستانت می خواستند بگویند که چه قدر با معرفتی. اما این حواشی قطعاً به نفع تو نیست و نخواهد بود. کما این که تو خود بهتر میدانی که فوتبالیست های حاشیه دار را راحت‌تر می‌توان کنار گذاشت و نیمکت نشین کرد، اگر چه توانایی های زیادی داشته باشند. برای بازی کردن در تیم بزرگی مثل استقلال خیلی ها سر و دست می شکنند، خیلی ها حاضرند به راحتی برای دیگران حاشیه درست کنند و حتی زیرآب دوستانشان را بزنند و نیمکت نشین کنند. بچه های جنوب پاکدل و دل رحیم و مهربانند. نگذار این خصوصیات انسانی تو وسیله سوء استفاده دیگران شود.
در بازی استقلال و الاهلی عربستان وقتی فرشید اسماعیلی پس از به ثمر رساندن گل با پیراهن تو شادی کرد دانستم که دوستانت و هم‌تیمی‌های تو دلشان با تو هست و چه قدر جایت در بازی خالی بود. سرمربی شما فرهاد مجیدی مربی جوان اما سرد و گرم چشیده ای است با دلی به بزرگی دریا. باور دارم که می تواند تو را ببخشد. تو هنوز اول راهی پس با قدرت برای جایگاهت بجنگ و خود را ثابت کن و از آن چه تو را از اهدافت دور می‌کند فاصله بگیر.
دعای خیر من و بچه های جنوب بدرقه راهت .



اعمال محدودیت‌ها با اجماع عمومی

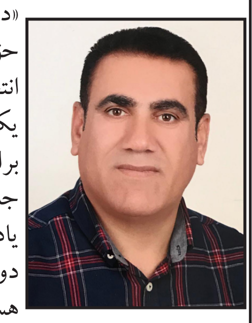
دکتر سعید معدنی



باید برای مقابله با شیوع گسترده و با سرعت کرونای انگلیسی که بیشتر شهرهای کشور را قرمز کرده سه محور اساسی در نظر گرفت، نخست تصمیمات مسئولان، سپس حضور مردم و رعایت پروتکل‌های بهداشتی و در نهایت بررسی پیچیدگی‌های این ویروس هزار چهره.
در ارتباط با تصمیم‌گیری مسئولان، مردم به گونه‌ای دچار سردرگمی شده‌اند، به عنوان مثال برخی سؤال می‌کنند که وقتی مسافرت با ماشین شخصی ممنوع می‌شود، چرا با اتوبوس، قطار و هواپیما همچنان سفرها برقرار هستند؟ آیا بهتر نیست با ماشین شخصی به مسافرت برویم و این کار ایمن‌تر نیست؟ چراکه وسایل نقلیه عمومی می‌توانند خطرسازتر باشند. سؤال دیگر مردم این است که چرا در ساعات پایانی شب باید جریمه شوند، در حالی که می‌بینیم به دلیل همین اعمال محدودیت‌های شبانه، در ساعات عصر هنگام و غروب پیک شلوغی ایجاد می‌شود. البته سیاست‌ها هم به گونه‌ای است که اقتصاد کشور هم باید بچرخد.
در سال گذشته مردم اندوخته‌ای داشتند و توانستند در قرنطینه باقی بمانند، اما امسال شاید اقتصاد ضعیف خانواده‌ها اجازه ندهد که مردم در خانه مانده و قرنطینه شوند، به همین خاطر ما با یک نگرانی مواجه هستیم و می‌بینیم اعمال محدودیت‌ها نمی‌تواند در جامعه به صورت کامل اجرا شود، این در حالی است که برخی از مردم تصور می‌کنند این بیماری برای استعمار و استثمار ساخته شده و عوام هم چنین نظریه‌هایی را بیشتر می‌پسندند و قبول می‌کنند و فکر می‌کنند که شیوع بیماری ساخته و پرداخته امپریالیسم جهانی است تا جایی که عده‌ای از مردم هم درخصوص رعایت پروتکل‌ها بی تفاوت شده‌اند.
اگر بخواهیم در مسیر پیش رو موفق باشیم، در وهله نخست باید وحدت نظر بین مسئولان وجود داشته باشد و شیوه‌های صحبت کردن با مردم باید رویه یکسانی داشته باشد، درخصوص مسائل اقتصادی هم، دولتمردان باید یک روش اورژانسی را در پیش بگیرند.
امروز شاهد هستیم که شوکی به همه جامعه وارد شده است، به اعتقاد من باید بیشتر از متخصصان استفاده شود و جنبه علمی و نگاه علمی پزشکان و دانشمندان به مردم گفته شود، آگاهی‌رسانی‌های تخصصی و علمی و اشراف کامل به پیچیدگی این بیماری و علل افزایش شیوع آن، سبب می‌شود تا مردم هم پروتکل‌ها و شیوه‌نامه‌های بهداشتی را بیش از پیش اعمال کنند تا در نهایت بتوانیم از این بیماری در زمان کوتاه‌تری عبور کنیم.

بازیکنی که در فوتبال به حقش نرسید!

رضا سیاهوشی



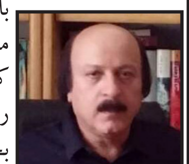
«درسایه احترام به حق طبیعی افراد در انتخاب تیم، از ایجاد یک فضای متشنج برای فوتبال شهرمان جلوگیری کنیم.
یادمان باشد بوشهر با دوتیم محبوبش زنده هست و احترام به انتخاب بچه های بومی شرایط را برای رشد فوتبال ما بهتر خواهد .
به خودمان احترام بگذاریم.»
پیام یک بوشهری و فوتبالی خوش قلب، مهربان و باوقاری که عشق وافری به شهر و دیارش دارد و چون متولد ۳۱ فروردین (۱۳۶۵) هست، بهانه ای شد تا هم تولدش تبریک گوییم و هم یادی از دوران کوتاه فوتبالش کنیم.



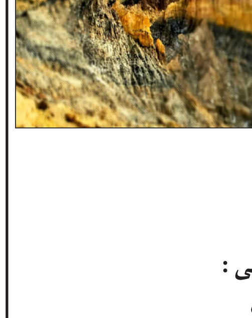
«حسین موجی» مدافعی که به لحاظ فنی سخت کوش، جسور، محکم و خوب بود و به لحاظ اخلاقی هم مودب ، متین و بسیار عالی بود.
موجی در خانواده ای با اخلاق، بسیار خوب و فوتبالی رشد کرد و بازیکنی بود که لباس هر تیمی می پوشید با جنگندگی و تعصب بازی میکرد و در تیم های مس رفسنجان، ایرانجوان و شاهین بوشهر توپ زد.
هرچند بسیاری معتقدند که موجی در فوتبال به حقش نرسید اما چون با منش، خوش رفتار و با اخلاق بود، با همه ناملایمتی ها کنار آمد و هیچ وقت گله و شکایتی از شخص یا باشگاهی نکرد.
آرزوی بهترین ها برای موجی و سایر پیشکسوتان عزیز داریم.

معلم جاهای دور استان

فرخ روزبهی



بالاخره شیراز و وضع بی مثالش و تحصیل در رشته ی کارشناسی بهداشت محیط را رها کردم. عطایش را به لقایش بخشیدم و بال بال زنان خودم را به عشقم بوشهر رساندم تا معلم جاهای دور استانم شوم؛ و حالا در فقیه احمدان بودم. در گرگ و میش هوا، ماشینم را گوشه ی حیاط خانه ی کدخدا پارک کردم. پیاده که شدم کدخدا و عیالش را در مغازله ای دلچسب و چرب و چیلی با قلیه ماهی و للک (گمنه) دیدم. سلام کردم، خیلی گرم و ازصمیم دل خوش آمد گفتند. کدخدا گفت: بفرما آقای روزبهی.
گفتم: نوش جانتان، مزاحم نمیشم، کلی کار دارم، شما بفرمایید. گفت بیو بخور ایقه معلما مال موشو خرده. خندیدم و از انبار بدون در بین دو حیاط که یک موتور برق و مقداری کاه و خرت و پرت های دیگر در آن بود به آن یکی حیاط که اطاقم درآن قرار داشت و ماهی دویست تومان اجاره اش کرده بودم، رفتم.
– خسته بودم، یکی از نان های خشکی را که از اولین نان ماشینی بزرگ باغ زهراگرفته بودم، نم آبی زدم و خوردم. تا موتور برق کدخدا روشن بود کمی مطالعه کردم و سپس خوابیدم. دو روز بعد دوستم سید ابراهیم هاشمی با وانت بار حسین خولو– تنها ماشین موجود در محل که اهالی را جا بجا می‌کرد و آن ها مدام می پرسیدند، ماشین حسین خولو آند سن؟ _ از راه رسید از آن پس زندگی و کار در کنار دوستم و صفای اهالی زیباتر شد.
اما سال بعد عذر مرا خواستند!؟



عکس و گویه:
حماسه حق پرست

نقشه ی ایرانِ مهین؛
نشسته در دل دشت...
فرازها
فرودها
کنگره ی عرش
و گنبد نمکیِ افلاک ...
و جاریِ آوازِ دشتی
در نهانخانه ی جانِ آدمی :
ای خطه ی ایران مهین
ای وطن من...
ای گشته به مهر تو عجین
جان و تن من...!
کوهسارانِ نمک اندود و
بلورآجینِ گنبد نمکیِ دشتی

آرزویی که ای کاش رنگ واقعیت به خود بگیرد!

بهزاد هراتی



بی گمان امید و آرزو از بارزترین و منحصر به فرد ترین ویژگی ها و داشته های هر انسان است که در نهادش کاشته شده و بن مایه و شالوده ی احساسی او را شکل می دهد که بی وقفه و با توجه به شرایط زمان و مکان در حال زایش در اندیشه آدمی است.
" آرزو "؛ یک خواهش در راستای محقق شدن خواسته هاست و " امید "؛ وجود یک باور برای رسیدن به هدف در راستای تلاش و کوشش مستمر است.
در این میان؛ " آرزویم " در سال 1400 و ورود به فصلی نو از قرن جدید این است که شکوفایی اندیشه ها بتواند آغازگر تحولات و نوگرایی های اساسی در راستای ارتقای آگاهی های جمعی در لایه های گوناگون جامعه باشد که اخلاق مداری و فضیلت های والای انسانی از شاخصه های اساسی آن است.
"آرزویم" برداشته شدن فشارهای سنگین و نامعقول اقتصادی از پیکره ی جامعه و رام کردن اسب چموش و لجام گسیخته ی گرانی که مسبب آن بی تدبیری و سوء مدیریت برخی مسئولین و در پی آن رانت خواری افراد سودجو می باشد که بیش از حد توان، بارهای روانی را بر دوش اقشار مختلف مردم نهاده و عصبانیت، خشم و در پی آن بداخلاقی ها را در زیر پوست جامعه تزریق می کند.
" آرزویم " رسیدن آحاد جامعه به یک تعادل رفتاری مناسب و به دست آوردن فرهنگ بالای مدنیت در کوتاهترین زمان ممکن و فراگیرشدن بینش اصولی در راستای رعایت کردن و استفاده از پروتکل های بهداشتی و عمل نمودن به توصیه های موکد و روشن مسولین امر جهت ریشه کن کردن هر چه سریع تر ویروس مرگبار کرونا از چهره ی جامعه و طلوع دوباره ی تندرستی بر فضای شهر و دیارمان است که منجر به امنیت و آسایش مردم کشورمان شده و در پی آن سلامتی ذهن، روح و جسم همگی مان را تضمین می کند.
همه ی این دیدگاه ها و علایق نگارنده در این خصوص، مربوط به این مقطع زمانی است. هر چند همان گونه که در بالا اشاره شد " امیدها و آرزوها " با ابعاد و معیارهای گوناگون در هر زمان بی وقفه با شکل و شمایل مربوط به زمان خود در ذهن و اندیشه ی همگی ما ظهور می کنند.

تکنولوژی های اینترنت ثابت

فرزاد دشتی



شاید روزی که کارت های اینترنت که در ۲۰ سال پیش به صورت ساعتی و با تکنولوژیDialup در کشور و استان ما بوشهر ارائه می شد، کمتر کسی تصور می کرد که روزی امکان استفاده از اینترنت پرسرعت به این سهولت در دسترس باشد. حال با توجه به نیاز روزافزون به اینترنت پرسرعت به خصوص در شرایط همه گیری کرونا، ضریب نفوذ اینترنت فراتر از گذشته است و می توان گفتن همه آحاد مردم به نوعی به آن نیاز دارند و از خدمات آن استفاده می کنند. به دلیل تنوع نسبتا بالای بسترهای خدمات اینترنت و نیز قیمت های متنوع آن، با توجه به شرایط اقتصادی، نیاز است همگان با تکنولوژی هایی که بر بستر آن ها خدمات اینترنت ارائه می شود بیشتر آشنا شوند تا بر اساس نیازها و شرایط اقتصادی خود بتوانند آگاهانه برای انتخاب سرویس اینترنت اقدام کنند. در این مقاله نگارنده قصد دارد مخاطب را با تکنولوژی های اینترنت ثابت که به مراتب از اینترنت همراه به صرفه تر و ارزان تر هست و تقریبا تمامی نیازهای کنونی و آینده آن ها را نیز مرتفع می کند، آشنا نماید. به صورت کلی اینترنت ثابت پرسرعت خانگی در حال حاضر به سه صورت در دسترس می باشد می شود:
۱-اینترنت بر روی زوج سیم مسی که انواع مختلفی دارد که در کشور ما ADSL و VDSL می باشد.
در تکنولوژی ADSL همه چیز بستگی به زیر ساخت و بستر سیم مسی شما (از مرکز مخابرات تا پریز تلفن منزل شما) دارد. به عنوان مثال اگر نیاز شما سرویس ۱۶ مگابیت در ثانیه باشد (به شرطی که تامین کننده سرویس اینترنت شما شبکه نرمالی داشته باشد) زیرساخت سیم مسی شما می بایست در همه مسیر به صورتی باشد که عواملی مثل اکسیدشدگی و پوسیدگی نداشته باشد و اتصالات به صورت استاندارد باشد تا بتوانید از اینترنت پرسرعت بهره مند شوید. یکی از مزیت های این سرویس استفاده از سیم کشی های موجود تلفن بدون نیاز به اتصال به دستگاه های حجیم و پیچیده است که نصب و راه اندازی آن را سریع و برای مشترک به صرفه می کند. شاید در حال حاضر بتوان گفت این فناوری کاربردی ترین و حسب شرایط، اقتصادی ترین سرویس ممکن برای کاربران خانگی باشد.
VDSL - در این تکنولوژی هم دقیقا شرایط به همان شکل ADSL است با این تفاوت که نسبت به ADSL مسافت تا مرکز مخابراتی باید کمتر از یک کیلومتر باشد. برای مثال شهرک ها، و یا مجتمع های مسکونی با تعداد واحد بالا پتانسیل این را دارند با هزینه ای نسبتا مناسب از این بستر بهره مند شوند. در این سرویس مشترک افزایش حداقل ۴ برابری سرعت نسبت به ADSL را تجربه خواهد کرد و اگر شما مودم از نوع VDSL باشد می توانید اینترنت تا سرعت ۱۰۰ مگابیت را هم دریافت کنید.
۲-دیگر تکنولوژی که میتوان گفت در تمامی دنیا به سرعت در حال همه گیری است، اینترنت بر مبنای فیبر نوری است که این روزها به اسم FTTH (Fiber To The Home) شناخته می شود. دراین تکنولوژی می توان گفت محدودیت سرعتی وجود ندارد اما در حال حاضر در همه جا در دسترس نیست. فیبر نوری را می توان بستری بی نقص و نیاز آینده هر کسب و کار و یا هر مشترک خانگی دانست ولی با توجه به عدم گستردگی این شبکه در کشور و استان ما شاید می توان گفت هنوز به طور کلی جا نیفتاده است و توسعه آن نیاز به سرمایه گذاری بیشتری دارد.
۳- سومین انتخاب اینترنت پرسرعت بر مبنای شبکه بیسیم است که این روزها به اسم بیسیم شهری یا اشتراکی شناخته می شود. با توجه به محدودیت ارائه سرویس پرسرعت بر بستر زوج سیم مسی و همچنین عدم گستردگی شبکه فیبر نوری، انتخاب مناسبی برای کسانی است که می خواهند سرعتهای بسیار بالاتر ازADSL را تجربه نمایند.
در این تکنولوژی معمولا بعد از امکانسنجی اولیه که توسط تامین کننده صورت می گیرد، تجهیزاتی مانند پایه یک متری، رادیو گیرنده، کابل شبکه و اکسس پوینت در محل مشترک نصب شده و بسته به نوع رادیو گیرنده، بازه سرعت تعیین می شود و با هزینه ای مناسب می شود سرعتی معادل 30 مگابیت (یا بالاتر از آن در حالت Point to Point) را دریافت کرد. از دیگر مزایای این سرویس امکان جا به جایی رادیوگیرنده و انتقال آن به نقاط جدید است که با توجه به تعداد زیاد بازیگران و رقابت در این حوزه به راحتی امکان پذیر است. سرویس بیسیم یا رادیویی راه حل سریع و با کیفیت و مناسب برای کاربرانی است که میخواهند سرعتهای بیش از ۱۶ مگابیت را دریافت نمایند و با توجه به عدم نیاز به زیر ساخت مخابراتی، عوامل محیطی مانند رطوبت، بارندگی، کیفیت خطوط مسی، فاصله تا مرکز مخابراتی و ... تاثیری در کیفیت سرویس نخواهد داشت. همچنین با توجه به پهنای باند بالای ارائه شده در این سرویس می توان از آن به عنوان بستری پایدار و مناسب برای سرویس های ارزش افزوده ای مانند تلویزیون اینترنتی، دوربین های مدار بسته، خانه های هوشمند، تلفن های VOIP و... استفاده کرد. البته به صورت کلی باید به این نکته توجه داشت، تفاوت این فناوری با فناوری هایی که در این مقاله اشاره شد، در شرایطی که هر سه در وضعیت نرمال، ارتباط تا تامین کننده یا شرکت اینترنتی برقرار باشد، فرق یک کیلو پنبه و یک کیلو آهن است. مثلا کاربری که بخواهد ۸ مگابیت اینترنت داشته باشد، فرقی نمی کند که ۸ مگابیت را بروی بستر فیبر نوری دریافت کند یا بستر بیسیم یاADSL VDSL. در پایان امید است با توجه به هزینه های بالای اینترنت همراه نسبت به اینترنت ثابت و همچنین مصرف بالای این روزهای مشترکین بدلیل شرایط کرونا، اطلاعات مناسب جهت انتخاب سرویس مناسب به شما ارائه کرده باشم.